

Hagiography in the works and poems of Qajar kings and princes

Zahra Alizadeh Birjandi*

Mohammad Mahdi Tabei**

Abstract

The Qajar period is of special importance in the investigation of the history and evolution of hagiography in Iran for several reasons. Hagiography in this period has special functions in terms of the development of themes and functions and the social and political status of the writers, which distinguishes it from other periods of Iran's history. The approach of Qajar kings and princes to hagiography is worthy of consideration from various perspectives, especially from the perspective of ritual literature, historical studies, and religious anthropology. Due to the importance of this topic, this article tries to analyze the content and method of hagiography by Qajar kings and princes and examine the place of these works in ritual literature. This research has been carried out in the framework of interdisciplinary studies of history and ritual literature, using descriptive-analytical and qualitative methods. The results of this research show the influence of the status and political base of the king in the use of concepts and metaphors and the superiority of devotion over seeking legitimacy, especially in Naser al-Din Shah's poems.

Keywords: Hagiography of *Ahl al-Bayt*, Hagiography, Qajar Dynasty, Kings and Princes

* Associate Professor, Department of History, University of Birjand, Birjand, Iran. (Corresponding Author),
zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

* M.A in Iranian Islamic History, University of Birjand, Birjand, Iran.
mohammadmahdi.tabei@yahoo.com

How to cite article:

Alizadehbirjandi, Z. & Tabei, M. M. (2025). Hagiography in the works and poems of Qajar kings and princes. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 3(2), 1-22. doi: 10.22077/jerl.2024.7419.1114



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مناقب‌نگاری اهل بیت در آثار شاهان و شاهزادگان قاجاری

زهره‌ا علیزاده بیرجندی *

محمد مهدی تابعی **

چکیده

در بررسی پیشینه‌ها و سیر تطور مناقب‌نگاری در ایران، دوره قاجاریه به دلایل متعدد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مناقب‌نگاری در این دوره از نظر تحول مضامین، پایگاه اجتماعی و سیاسی مناقب‌نگاران و کارکردهای آن دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر ادوار تاریخ ایران متمایز می‌گرداند. رویکرد شاهان و شاهزادگان قاجاری به مناقب‌نگاری از جنبه‌های گوناگون به‌ویژه از منظر ادبیات آیینی، مطالعات تاریخی و انسان‌شناسی دینی درخور توجه است. با توجه به اهمیت این مبحث، نگارندگان این مقاله می‌کوشند ضمن تحلیل محتوا و روش مناقب‌نگاری شاهان و شاهزادگان قاجار، جایگاه این آثار را در ادبیات آیینی بررسی نمایند. این پژوهش در چارچوب مطالعات میان‌رشته‌ای تاریخ و ادبیات آیینی تحت راهبرد کیفی با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. دستاوردهای حاصل از این پژوهش نشانگر تأثیر شئون و پایگاه سیاسی پادشاه در کاربرد مفاهیم و استعاره‌ها و تفوق ارادت‌ورزی نسبت به مشروعیت‌طلبی در مناقب‌نگاری پادشاهان قاجار، به‌ویژه در اشعار ناصرالدین شاه است.

کلیدواژه‌ها: مناقب اهل بیت (ع)، مناقب‌نگاری، قاجاریه، شاهان و شاهزادگان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)
zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، ایران
mohammadmahdi.tabei@yahoo.com

مقدمه

واژه منقبت از نظر لغوی به معنای گذرگاه باریک میان دو رودخانه، گذرگاه کوهستانی، شکاف، فضیلت، ستایش، مدح و تمجید به کار رفته است. از نظر اصطلاحی، این واژه به معنای خصایل نیکو و سجایای پسندیده است که موجب ستودگی و مباحثات است (اصغرپور، ۱۳۸۶: ۲۶۶ و ۲۶۷؛ ایزدی و زیرکی، ۱۳۸۷: ۲۶). بر این اساس مناقب‌خوانی و منقبت‌نگاری اهل‌بیت (ع) به معنای انشا و خواندن کلام منظوم و منثور برای بیان خصلت‌های نیکو و فضائل اهل‌بیت (ع) است.

پیشینه مناقب‌نگاری در اسلام به سده‌های نخست هجری بازمی‌گردد، چنانکه اولین کتاب مناقب در نیمه اول سده دوم هجری توسط فردی شیعی به نام جابر بن یزید جعفی نوشته شده است. در میان اهل سنت اولین کتاب را در این زمینه احمد بن حنبل در سده سوم هجری نگاشته است (کردنژاد، ۱۳۹۱: ۶۴). در ادوار مختلف تاریخ ایران می‌توان مصادیقی از مناقب‌خوانی و منقبت‌نگاری یافت. یکی از دوره‌های شاخص در این زمینه، دوران آل‌بویه است (ایزدی و زیرکی، ۱۳۸۷: ۳۰). بعد از زوال آل‌بویه و از قرن ششم هجری به بعد آثار متعددی در موضوع مقتل و شهادت امام حسین (ع) نظیر مقتل الحسین خوارزمی، اللهوف علی قتلی الطفوف اثر سید بن طاووس تألیف شده و منقبت‌خوانی و منقبت‌نگاری جزو ارکان مناسک عزاداری امام حسین (ع) بوده است. با به قدرت رسیدن صفویان و رسمیت آیین تشیع، مناقب‌خوانی رونق گسترده‌ای پیدا کرد. در دوران قاجار مناقب‌خوانی و منقبت‌نگاری تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله کنش‌های آیینی و اقدامات برخی از شاهان و شاهزادگان قاجار، هم از نظر محتوا و کیفیت و هم از لحاظ نحوه برگزاری، گسترش و تحول یافت. یکی از وجوه تمایز دوره قاجار از نظر برگزاری مراسم آیینی و به‌ویژه منقبت‌نگاری اهل‌بیت (ع)، ورود شاهان و شاهزادگان قاجاری به این عرصه است. درباره برگزاری مناسک شیعی به‌ویژه مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی در این دوره، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته، اما مناقب‌نگاری اهل‌بیت (ع) در آثار شاهان و شاهزادگان قاجاری از حوزه‌های مغفولی است که این مقاله قصد پرداختن به آن را دارد. با توجه به اهمیت مناقب‌نگاری و کارکردهای مختلف آن در فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، هدف این مقاله تحلیل مضامین و روش مناقب‌نگاری شاهان و شاهزادگان قاجاری و ارزیابی علل رویکرد آن‌ها به این کنش آیینی است. بر این اساس پرسش‌های اصلی پژوهش پیش‌رو به قرار ذیل است:

۱. سلاطین و شاهزادگان قاجار در منقبت‌نگاری اهل‌بیت از چه مضامین و روش‌هایی بهره برده‌اند؟
۲. دلایل و انگیزه‌های شاهان و شاهزادگان قاجاری از منقبت‌نگاری اهل‌بیت (ع) چه بوده است؟

۳. جایگاه این آثار در ادبیات آیینی و فرهنگ شیعی چیست؟

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در زمینه مناقبت‌نگاری شاهان و شاهزادگان قاجاری پژوهش مستقلی صورت نگرفته، اما در برخی آثار مربوط به تعزیه و شعر آیینی در دوره قاجار، اشاراتی گذرا و مختصر به برخی از سروده‌های شاهان و شاهزادگان در مدح اهل بیت (ع) شده است. برای نمونه می‌توان به مقاله شیرزاد طایفی با عنوان «بررسی نموده‌های مذهبی در شعر عهد قاجار» اشاره کرد. روحانی قوچانی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی علل تحول مراسم آیینی و سوگواری شهر مشهد در دوره قاجار» ضمن انجام یک مطالعه موردی، برخی از اقدامات شاهان قاجار در برگزاری تعزیه را نیز بیان کرده‌اند.

مناقب و مراثی اهل بیت (س) در اشعار فتحعلی‌شاه

فتحعلی‌شاه قاجار (ح ک: ۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ه.ق) در دوان سلطنت خویش علاوه بر سرودن اشعاری در منقبت اهل بیت (ع) اقدامات متعددی در زمینه مذهبی انجام داده است که از آن میان می‌توان به تعمیر و بازسازی بقاع متبرکه، مرمت و تزیین اماکن مقدس و ساخت مساجد، نصب ضریح، در مرصع نشان و بنای صحن آزادی در سمت شرقی حرم امام رضا (ع)، بازسازی و گسترش مدرسه فیضیه اشاره کرد (دادور و پنجه باشی، ۱۳۹۱؛ کاظمی موسوی، ۱۳۹۸: ۲۶۹).

یکی از راه‌های دستیابی به اشعاری که فتحعلی‌شاه در مدح اهل بیت سروده، علاوه بر دیوان اشعار او، تذکره‌های عهد قاجار است. در میان این تذکره‌ها، حدیقه الشعرا (تألیف دیوان‌بیگی شیرازی)، تذکره انجمن خاقان (تألیف فاضل خان گروسی) و تذکره مجمع الفصحا (تألیف رضا قلی خان هدایت) برای ارائه روایت تفصیلی در احوال و اشعار فتحعلی‌شاه قاجار درخور توجه است (تابعی، ۱۴۰۱: ۴۹-۵۲).

در سروده‌های فتحعلی‌شاه، مناقب علوی به گونه‌های مختلف همراه با درون‌مایه‌های عاطفی، استعاره‌ها و آرایه‌های ادبی و مفاهیم نمادین مجال طرح یافته است. شماری از این مناقب به ذکر فضایل (شجاعت، عدالت، سخاوت و مقام شفاعت علی (ع)) اختصاص یافته است:

شیر خدا علی ولی آنکه هیبتش	تب لرزه برتن هفت آسمان دهد
آید نسیم خلقتش اگر سوی بوستان	گلبن گل بهار بفصل خزان دهد
با ذوالفقار حمله کند گر به سوی خصم	ناخورده زخم خصم وی از بیم جان دهد...
عدل ضعیف پرور عاجز نواز او	عصفور را بچنگ عقاب آشیان دهد
با آن رخ و دهان چو به دوزخ نظر کند	دوزخ، ز لطف جنت و کوثر نشان دهد

(فتحعلی‌شاه قاجار، ۱۳۷۰: ۸)

فاضل خان گروسی نیز شعر فوق را در کتاب تذکره انجمن خاقان ذکر کرده است (۱۳۷۶: ۳۹).

کاربرد «شیر» و «ذوالفقار» از مضامین پربسامد در اشعار شاهان و شاهزادگان قاجاری است. «شیر» از مهم‌ترین کهن‌الگوها در میان ایرانیان و نماد شهریاری، دلاوری و شکوه پادشاهی است و کاربرد لقب اسدالله برای علی (ع) نیز بر تحقق صفات فوق در وجود وی دلالت دارد (علیزاده بیرجندی، حمیدی و ملک‌زاده، ۱۳۹۶: ۹۰). «ذوالفقار» استعاره‌ای از قدرت، توان نظامی، نماد عدالت و مظهر ستم‌ستیزی علی (ع) است. این دو عنصر نمادین به نشان‌های سلطنتی دوره قاجار نیز راه یافت (همان: ۹۱؛ آفرین و نیکیان، ۱۴۰۲: ۱۷۳).

فتحعلی‌شاه در پاره‌ای از اشعارش برای نشان دادن تبیین منزلت علی (ع) به هم‌سنجی وی با سلاطین ایران پرداخته و برتری علی (ع) را بر همه پادشاهان ایرانی یادآور می‌شود:

از عرش جسته پایه تخت تو برتری	ای خاک روب درگه تو چرخ چنبری
ای خسروی که چاکر تو می‌کند برزم	از یمن دولت تو بدارا سکندری
ای پاسبان درگه تو کیقباد و جم	شد ختم در جهان به نژاد تو سروری
درحیرتست خصم تو در کار خویشتن	کافتاده است مهره بختش بششدری
دستان سام بر در تو کمترین خدم	پور پشنگ در صف جیش تو لشکری
در خدمت تو سوده جبین روز و شب به عجز	اشکانیان بدرگه تو بهر داوری
از لطف حق بدولت تو می‌کند مدام	شاها غلام ترک تو در روم قیصری
نوشیروان کجاست که آید بدرگهت	تا یاد گیرد از تو همه دادگستری
شد سلطنت بنام تو در روزگار ختم	ختم آنچنانکه گشت بخاتم پیمبری

(فتحعلی‌شاه قاجار، ۱۳۷۰: ۱۳۱ و ۱۳۲)

گفتمان فتحعلی‌شاه در این ابیات تحت تأثیر جایگاه و شئون پادشاهی و علائق و تمایلات سیاسی او قرار گرفته است. سلاطین باستان همواره برای فتحعلی‌شاه مظهر اقتدار و شکوه تلقی شده‌اند. او در طول حکمرانی خود دست به اقداماتی زد تا خود را به‌عنوان میراث‌دار شاهان باستانی ایران و ادامه‌دهنده راه آنها نشان دهد. او کتب تاریخی و شاهنامه می‌خواند و انجمن خاقان بخشی از تلاش آگاهانه وی برای احیای سنن درباری ایران و باستان بود (آقازاده، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

فتحعلی‌شاه در مقایسه شأن علی (ع) با پادشاهان باستان و اذعان به برتری وی، ارادت ورزی‌اش به ساحت علی (ع) را با گرایش‌های باستان‌ستایانه خویش پیوند زده است. فتحعلی‌شاه در فرازهایی از مناقب علوی، به مبانی اعتقادی شیعه چون قرابت، وصایت، علم امامت و پیوند آن با علم نبوی و مقام علی (ع) به‌عنوان اسوه فتوت این‌گونه تأکید کرده است:

علی آن که داماد پیغمبر است
امیر همه مؤمنان جهان
بلافصل باشد نبی را وصی
چو بر دوش پیغمبر او پا نهاد
تو آنی که جبریل روز و غا*

ولی خدا ساقی کوثر است...
وصی نبی آشکار و نهان
کسی کو نهد پا به دوش نبی
ز طاق حرم جمله بتها فتاد...
سرائید در وصف تو لا فتی

وصی نبی و ولی خدا
غلام درت تاجداران تمام
به تضمین سه بیت از سخن گوی طوس
چه گفت آن خداوند تنزیل وحی
که من شهر علمم علیم در است

برازنده افسر انما...
ولی همچو خاقان نداری غلام
به مدح تو آرم پس از خاکبوس
خداوند امر و خداوند نهی
درست این سخن قول پیغمبر است...
(فتحعلی شاه قاجار، ۱۳۷۰: ۱۵۱ - ۱۵۳)

در اشعار فتحعلی شاه دلدادگی به ساحت قدسی امام هشتم (ع) و اشتیاق زیارت آن حضرت با کاربرد استعاره‌هایی چون یعقوب دل و پیراهن یوسف بیان شده است. گویا شعر ذیل هنگام عزیمت وی به خراسان سروده شده است:

جان بکف بهر طواف کوی جانان می‌روم
از دل گم گشته‌ام در زلف تو جستم سراغ
کور شد از فرقت تو دیده یعقوب دل
سرفرازی دو عالم آستان بوسی اوست

تحفه‌ام پای ملخ نزد سلیمان می‌روم...
مژده یوسف شنیدم سوی زندان می‌روم
پیرهن ده یوسف من سوی کنعان می‌روم...
بنده‌سان بر درگاه شاه خراسان می‌روم
(فتحعلی شاه قاجار، ۱۳۷۰: ۲۰)

در تذکره دلگشا و تذکره انجمن خاقان نیز این ابیات آمده است (نواب شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷۸؛ گروسی: ۴۱).

مضامین عاشورایی و مراثی امام حسین (ع) در اشعار فتحعلی شاه در قالب یک گفتمان عاطفی همراه با یادکرد فاطمه زهرا (س) و همدردی با ایشان به کرات مجال بروز و نمود پیدا کرده است. به دلیل کثرت این اشعار به ذکر ابیاتی از آن بسنده می‌شود:

در حیرتم که چرخ چرا غرق خون نشد
چون آفتاب یثرب و بطحا غروب کرد
افتاد آسمان امامت چو بر زمین
دردا که زندگی به دو عالم حرام شد

در ماتم حسین زمین واژگون نشد
رخسار آفتاب چرا قیرگون نشد
ساکن چرا سپهر و زمین بی‌سکون نشد
کین چرخ سفلہ دشمن دین را به کام شد
(فاضل خان گروسی، ۱۳۷۶: ۴۸-۴۹)

دل خون شود ز دیده گریان فاطمه
خاقان به روز حشر شفیع شود حسین
خاقان ز سیل حادثه دین را خراب دید

واحسرتا ز ناله جانکاه مصطفی
یا رب بحرمت علی و جاه مصطفی
زان ظلم‌ها که شافع یوم الحساب دید
(محمود میرزا، ۱۳۴۶: ۱۸).

گردون بسوخت ز آتش غم جان فاطمه
دامان خاک گشت ز خونش چو کان لعل

شرمش نیامد از دل سوزان فاطمه
آن گوهری که بود به دامن فاطمه
(نواب شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۸۲)

مناقب اهل بیت (ع) در آثار ناصرالدین شاه قاجار

ناصرالدین شاه (ح.ک: ۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق) در دوران حکومتش به اقداماتی دست یازید که به سبب صبغه دینی آن در زمره کنش‌های آیینی وی جای می‌گیرد. اندکی پیش از سقوط هرات، ماهیت دینداری ناصرالدین شاه در مراسمی که درباره تمثال علی (ع) برپا گردید، به طرز روشن‌تر نشان داده شد؛ در آن هنگام شمایی از امام اول به تملک شاه درآمده بود که شهرت داشت در زمان حیات امام کشیده شده است. ناصرالدین شاه هر روز صبح این شمایل را زیارت می‌کرد و دستور داده بود که از روی آن مدالی جواهرنشان بسازند تا زیب پیکر خود کند. چون میرزا ابوالحسن خان نقاش‌باشی این کار را به پایان رساند، ستاره‌شناسان روز مساعدی را انتخاب کردند و گروهی از علما و درباریان برای حضور در مراسم نصب مدال شاه دعوت شدند. پس از انجام مراسم، ۱۱۰ تیر توپ (به حساب جمل برابر با نام علی) در میدان توپخانه شلیک شد. این مراسم با توزیع سکه‌های طلا در میان علما پایان یافت (الگار، ۱۳۶۹: ۲۴۱-۲۴۲). نخستین بار در دوره ناصری زادروز علی (ع)، حسین (ع) و امام زمان نیز به عنوان جشن‌های رسمی اعلام شد. در میان مناسک آیینی شاید مهم‌تر از همه اخلاص ناصرالدین شاه نسبت به اجرای تعزیه باشد. در زمان فرمانروایی او بنای تکیه‌ها و تعزیه‌خانه‌ها به اوج خود رسیده بود. چنانکه پس از سفر به انگلیس فرمان داد که یک تکیه دولتی از روی نمونه رویال آلبرت هال لندن ساخته شود (همان: ۲۴۴-۲۴۵).

ارادت ورزی ناصرالدین شاه به علی (ع) علاوه بر اقدامات مذهبی او در اشعارش نیز تجلی یافته است. اشعار ناصرالدین شاه قاجار از جنبه محتوا و غنای شعری و سادگی بیان، مقبول صاحب‌نظران است. همین شیوایی و اسلوب و گیرایی مضمون و روایی ابیاتش سبب شده که اشعار وی مورد توجه شعرا و سخن‌سرایان قرار گیرد. چنانکه فروغی بسطامی

در دیوانش از چند غزل ناصرالدین شاه استقبال کرده و آن را زینت بخش اشعارش قرار داده و بر وزن و شیوه ابیاتش غزل‌هایی را سروده است (ناصرالدین شاه قاجار، بی‌تا: ۱۹). دوست علی خان معیرالممالک طبع شعری و قریحه ادبی ناصرالدین شاه را ستوده و اظهار می‌دارد که وی اشعار بسیاری از شاعران ایران و عرب را از بر داشت (معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۳۰). ناصرالدین شاه در مکتب تحولات جنبش ادبی قاجار تربیت شد و قریحه شعری او تحت تأثیر این مکتب بارور گردید (امانت، ۱۴۰۱: ۱۳).

مصادیق متعددی از ارادت خالصانه ناصرالدین شاه به حضرت علی (ع) وجود دارد. در این ارادت‌ورزی شاه بر منزلت علی (ع)، حقانیت وی و جایگاه آن حضرت در تداوم رسالت نبوی تأکید شده است:

عید مولود امیرالمؤمنین شد	عالم دنیا و عقبی عنبرین شد
از برای مژده میلاد حیدر	جبرئیل از آسمان سوی زمین شد
پنج عنصر حیدر کرار دارد	قدرت خلق، زان که با خاکش عجین شد
ذوالفقار کج چنین گوید به گیتی	راست از دست خدا شرع مبین شد
ناظم خرگاهش اسرافیل باشد	حاجب درگاه جبرئیل امین شد
پای تا بنهاد بر دوش پیمبر	خاتم پیغمبران را او نگین شد

(ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۸۶)

حقا که حقیقت علی حق باشد	حق است به حق حق که بر حق باشد
گویند علی حق است اگر حق نبود	حق با علی و علی مع الحق باشد

(همان: ۹۰)

در مناقبت‌نگاری ناصرالدین شاه روایت منظوم رویداد عاشورا و یادکرد منزلت حسین (ع) و یارانش جایگاه ویژه‌ای دارد:

تو آن حسین غریبی که روز عاشورا	جهان مصالحه کردی به کهنه پیرهنی
تو آن حسین وحیدی که زد لبان تو را	یزید همی گفت خوش لب و دهنی
تو آن حسین شهیدی که در کنار فرات	شدی شهید و نکردی ز آب تر دهنی
تو آن حسین غریبی که زیر خنجر شمر	به فکر درد و غم شیعیان خویشتنی...
خموش «ناصر دین» شو که زینب مضطر	بگفت نیست به دوران ستم‌کشی چو منی

(همان: ۶۷-۷۰)

ناصرالدین شاه در برخی سروده‌هایش در قالب یک گفتمان عارفانه، امام حسین (ع) را یکه‌تاز راه عشق دانسته و گفت‌وگوی دوطرفه میان این عاشق دلداده و حضرت حق را این‌گونه به نظم کشیده است:

کرد رو را جانب سلطان عشق
این علمدار رشید، این اکبرم
این عروس دست و پا خون در خضاب
این تن عریان میان خاک و خون
این من و این ناله‌های زینم...
ای حسین ای یکه تاز راه عشق...
مشتی بر جنس بازار تو ام...
عرش و فرشم جمله پا انداز تو
خود بیا و اصغرت را هم بیار...
(همان: ۷۳-۷۴)

روز عاشورا در آن میدان عشق
بار الها این سرم این پیکرم
این سکینه این رقیه این رباب
این من و این ساربان این شهر دون
این من و این ذکر یارب یاربم
پس خطاب آمد ز حق، کی شاه عشق
غم مخور چون من خریدار تو ام
خود بیا که می‌کشم من نازت
لیک خود تنها نیا در بزم یار

ناصرالدین شاه روایت گری منظوم عاشورا را با ذکر مناقب علی اکبر، علی اصغر، قاسم بن حسن (همان: ۷۹-۸۳) و مقام شفاعت گری آنها همراه نموده که هنوز هم در محافل سوگواری بر زبان خطبا جاری است. برای ناصرالدین شاه کفشداری آستان رضوی برتر از منصب شاهنشاهی زمین و مایه مباحثات اوست:

کجا هوای شهنشاهی زمین دارم که کفش داری سلطان هشتمین دارم
سزد که فخر کنم به شهان به روز جزا به کفش داری سلطان دین امام رضا (ع)
(همان: ۹۲-۹۳)

مناقب‌نگاری ناصرالدین شاه همان گونه که فحوای کلام او نشان می‌دهد از سر ارادت و اخلاص به خاندان رسالت بوده و شائبه مشروعیت‌طلبی در آن جایگاهی ندارد؛ همین امر سبب ماندگاری سروده‌های او شده است؛ درواقع ناصرالدین شاه برای کسب مشروعیت ابزارهای دیگری در اختیار داشت. روزنامه‌های عهد ناصری و تصاویر آن، نشان‌ها و آرم‌هایی که در این روزنامه‌ها چاپ می‌شد، ابزاری برای نمایش اقتدار سلطنت به شمار می‌آید. علاوه بر روزنامه‌ها، تمبرهای منقوش به تصویر شاه، رسانه‌هایی برای تحکیم شئون سلطنت و جاهت شاه با کارکرد مشروعیت بخشی بودند (شیخ نوری و علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۸: ۶۸-۶۹)

مناقب اهل بیت (ع) در آثار شاهزادگان قاجار

در این بخش از نوشتار، اشعار برخی شاهزادگان منقبت سرای قاجار و مضامین مطرح در آن مورد بررسی قرار گرفته است.

شاهزاده محمدتقی میرزا

شاهزاده محمدتقی میرزا (۱۲۰۶-۱۲۶۶ه.ق) فرزند فتحعلی شاه و حاکم بجنورد بوده،

اشعاری از این شاهزاده در نعت رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) در تذکره‌های شعری ذکر شده است:

که هریک از روشنی، غیرتِ هفت اختر است
دو حسن و یک حسین، موسی با جعفر است
پیشرو انبیا در فزعِ اکبر است...
که پرده عصمتش ز عرشِ اعلا بر است
چرخ سیه جامه‌اش گوشه‌ای از منبر است
کشته زهر جفا ز کینِ بدگوهر است
که بندِ نعلین او بر سرِ ماه افسر است
تاجِ سرِ ساجدین که زهد را زیور است
که علم را مظهر و خدای را مظهر است
که شرع را حارس و وارثِ پیغمبر است
که صد کلیمش مدام چو حاجبی بر در است
تابع حکمش قضا، قدر به او چاکر است
قوتِ روح و فواد ز احمد و حیدر است
که بعدِ بابش تقی به شیعیان سرور است
پیرو او متقی میرِ ملک لشکر است
هم انبیا را بدن هم اولیا را سر است...
(عبرت‌نائینی، ۱۳۸۷: ۱؛ ۶۴۴-۶۴۱)

چهارده آفتاب ز نورِ خود آفرید
چار محمد بود، چار علی، فاطمه
محمد مصطفی (ص) خواجه هر دو سرا
بانوی جنتِ بتول، فاطمه بنت رسول (ص)
عقدِ سپیدِ پرن، ریشه‌ای از معجرش
حسن امام هدی مؤتمن و مجتبی
شهیدِ اعدا حسین، فاطمه را نورِ عین
علی امام مبین مفخرِ دنیا و دین
محمد بن علی، باقر علم و ولی
ثامن و سادس امام، جعفر صادق به نام
کاظم، امام همام، موسی هارون غلام
قبله هشتم رضا، علی که چون مرتضی
محمد است و جواد تقی ملاذالعباد
علی عالی نقی منکرِ فضلش شقی
حسن امام زکی پورِ علی نقی
امامِ سرّ و علن محمد بن حسن

شاهزاده طهماسب میرزا

شاهزاده طهماسب میرزا (۱۲۲۰ - ۱۲۹۲ ه.ق) متخلص به سرور قاجار، وی در باب باورهای این شاهزاده و حسن اعتقاد و اخلاصش و ائمه اطهار (ع) روایت‌هایی ذکر شده چنانکه گفته‌اند: چنانکه به قول دیوان‌بیگی شیرازی در ایام عاشورا حشمت حکومت را می‌گذاشت و در جمع سینه‌زنان به عزاداری مشغول می‌شد (دیوان‌بیگی شیرازی، بی‌تا: ج ۱: ۷۶۲). از طهماسب میرزا، ترجمه‌ای با عنوان *تاریخ سلمی* (تألیف جرجی زیدان) به جای مانده، محور اصلی کتاب زنی به نام سلمی، دختر حُجر بن عدی و موضوع آن شرح واقعه کربلا و برخی داستان‌ها مرتبط با رویداد عاشورا است. چنانکه در فصل هشتاد و پنج این کتاب به ماجرای کشته شدن مسلم بن عقیل (زیدان، ۱۳۲۱ ق، ج ۲: ۳۰۰-۳۰۵)، در فصل نود به گفت‌وگوی سلمی با حضرت زینب سلام‌الله‌علیه و بیماری امام سجاد (ع) (همان: ۳۲۴-۳۲۷) اشاره شده است. بررسی روایت‌های موجود در این کتاب حاکی از ظلم و ستمی است که امویان بر سلمی، پدرش، حجر بن عدی و نامزد او، عبدالرحمن روا داشته‌اند. سلمی ضمن بیان مظالم و مصائب خود، صحنه‌های مختلف حادثه کربلا و ماجراهای قبل از شهادت امام حسین (ع) را روایت می‌کند. فصل صد و سی‌ام این کتاب به ذکر

مشاهدات سلمی از صحنه شهادت امام حسین (ع) و قساوت شمر نسبت به آن حضرت اختصاص دارد (همان: ۳۷۱-۳۷۲). انتخاب این اثر برای ترجمه توسط طهماسب میرزا درواقع حاکی از علاقه و ارادت وی به اهل بیت (ع) است.

شاهزاده ایرج میرزا

شاهزاده ایرج میرزا (۱۲۲۲ - وفات: نامشخص) متخلص به انصاف. هدایت در توصیف این شاهزاده چنین می‌نویسد: «دست‌پرورده محمدحسن خان ملقب به خانلرخان... در کمالات ساعی و جاهد و به مدارج و معارج دانش و هنر عرج و صاعد آمده. در کمال حسن اخلاق، سال‌ها در مشهد معتکف بوده. غالب اشعار وی نیکو و در مدایح و مناقب است» (هدایت، ۱۳۳۶: ج ۱: ۶۰).

منقبت امام رضا (ع) در اشعار ایرج میرزا جایگاهی خاص دارد، شاهد این مدعا ابیات ذیل است:

حاجب خدام اوست، هرچه امانست	خادم حجاب اوست، هر که امینست
هرکه سرایش برفت، شاه نشانست	هر که به خاکش بخت، عرش نشینست
طوس از آن مایه فسوس جنان شد	گنج جهان آفرین به طوس دینست
	(محمود میرزا، ۱۳۹۴: ۶۱)

این شاهزاده در شعر دیگری باز هم به منقبت‌گویی از امام رضا (ع) پرداخته و چنین بیان می‌دارد:

یکی گوهر پاکم ایزد سپرد	من آن گوهر پاک را پاسبانم
من و خاک‌روبی درگاه آن شه	که بوسد زمین زان شرف آستانم
علی بن موسی شه دین و دنیا	که با مهرش آمیختندی روانم
به فرقم اگر سایه لطفش افتد	کله شاید از فخر بر فرقدانم
	(همان: ۶۱)

شاهزاده بهمن میرزا

ازجمله آثاری که می‌توان شواهد متعددی از مناقب اهل بیت سلام‌الله‌علیهم در آن یافت، تذکره محمدشاهی نوشته بهمن میرزای قاجار است. بهمن میرزا (۱۲۲۶-۱۳۰۱ ه.ق) را مردی فضل‌پرور، کتاب‌دوست و هنرخواه و اهل علم و دانش توصیف کرده‌اند. وی در تبریز کتابخانه‌ای بزرگ در اختیار داشته است. علما و نویسندگان مورد حمایت بهمن میرزا قرار داشتند. کتاب تذکره محمدشاهی او در واقع سفینه‌ای از آثار منظوم شاعران سلف و معاصران نویسنده است که با شرح بسیار کوتاهی از آنان همراه است. در زمان حکومت‌داری وی مردم از او راضی و مناطق تحت حاکمیتش از آسایش برخوردار بوده‌اند (برات‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۷۳-۱۷۲). تذکره محمدشاهی را بهمن میرزا به دستور برادرش محمد میرزا نوشت. بهمن میرزا در صفحات آغازین تذکره محمدشاهی پس از حمد و ثنای الهی ارادتش به رسول اکرم صلوات الله علیه و اهل بیت ایشان را در قالب ابیاتی بیان نموده و

اشعار ذیل را سروده است:

احمد مرسل که خرد خاک اوست امی گویا به زبان فصیح

هر دو جهان بسته پژواک اوست از الف آدم و میم مسیح

(بهمن میرزا، ۱۲۴۷: ۱)

سپس با تعبیری چون شیر کنام مردانگی، قاطع کفار، پشت و پناه دین و شیر خدا شاه ولایت علی، به مدح علی (ع) پرداخته و دروذهای بیکران بر وی و اولادش نموده است. عبارات بعدی بهمین میرزا آن گونه که فحوای آن نشان می دهد در منقبت امام عصر (عج) است:

به تخصیص آیت رحمت رایت نصرت باعث قوام زمین و زمان سبب نظام
جهان و جهانیان صاحب العصر والزمان مهدی دجال کش ظاهر غایب نما چون
به حسب ظاهر از دیده نهان است صفحه کتبی از وجود و ... سلطان عادل که
نایب امام زمانست رشک فردوس جنان و غیرت بهشت جاودان است. شهنشاهی
که از عدل و دادش گرگ گله را شبان و دزد خزینه را نگهبان آمد (۱۲۴۷: ۱).
در عبارات بالا بهمین میرزا، فتحعلی شاه را نایب امام عصر (عج) و عدل او را مایه
امنیت رعایا دانسته است. این گزاره ها از تلاش بهمین میرزا در جهت مشروعیت بخشی به
سلطنت قاجار و سلاطین آن حکایت می کند. وی اشعاری از فتحعلی خان ملک الشعرا را در
تذکره محمد شاهی نقل نموده که در این اشعار تفوق فتحعلی شاه به سایر شاهان را به
برتری نبی اکرم (ص) نسبت به سایر پیامبران تشبیه کرده است:

جهاندار	فتحعلی شاه	ترک	به چنبر درش گردن هر سترگ
نهم	آسمان پایه پست او		زمام بد و نیک در دست او
بزرگی	اگر آشکارا شدی		ز خدام درگاه دارا شدی
تنی را که او دست گیرد به مهر			نیارد ز پا جاودانش سپهر
بافسر درش بس گهرهای ناب			نماز آورش گوهر آفتاب...
چنان در ره دین پیغمبری			بر آشفته گیتی از داوری
همین شه ز شاهان چنان برتر است			که احمد ز پیغمبران برتر است

(همان: ۳۷۰)

شاهزاده فرهاد میرزا

فرهاد میرزا (۱۲۳۳-۱۳۰۵ ه.ق) از نظر شأن و منزلت علمی و باورهای اعتقادی جایگاه ویژه ای در میان سایر شاهزادگان قاجاری دارد. مدایح نگار از او به عنوان قبله آزادگان و کعبه شاهزادگان یاد کرده است (دیوان بیگی شیرازی، بی تا: ج ۲: ۱۳۴۸). یکی از مصادیق بارز ارادت ورزی وی به اهل بیت کتاب قمقام زخار و صمصام بتار است. فرهاد میرزا در دوران زندگی خویش اقدامات عمرانی متعددی در راستای باورهای دینی و

اعتقادات مذهبی خویش انجام داد که ذکر آنها در این مقال نمی‌گنجد. از فرهاد میرزا آثار و اشعار متعددی در مدح اهل بیت به‌ویژه علی (ع) به‌جای مانده است. در تذکره‌های شعری به این اشعار اشاره شده است (هدایت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۱۰۰-۱۰۱؛ دیوان‌بیگی شیرازی، بی‌تا: ۱۳۵۴). در شعر ذیل فرهاد میرزا برای درک عالم معنا، توسل به حضرت علی (ع) و خاندان ایشان را راهگشا می‌داند:

ای دل شوریده زین جهالت بگذر	غره به جاه و به زر مباحش و به دنیا
زی ره یزدان شتاب تا که بباشی	بر مه و خورشید و چرخ و انجم دارا
بال و پری ساز کن چو شهر جبریل	وانگه پرواز جو به جانب بالا
زان که به بالا اگر گرایی گردد	بر تو همه رازهای دهر هویدا
از علی و آل او بخواه تنعم	بر علی و آل او بجوی تولا

(دیوان‌بیگی شیرازی، بی‌تا: ۱۳۵۳)

کتاب *قمقام زخار و صمصام بتار* به شرح احوال حضرت سیدالشهدا (ع) و رویداد عاشورا اختصاص دارد. عمادزاده این کتاب را مقتلی صحیح و معتبر و برگرفته از منابع حدیثی و تواریخ فریقین دانسته است (فرهاد میرزا معتمدالدوله، ۱۳۶۳: مقدمه). فرهاد میرزا علت نام‌گذاری کتاب را این‌گونه شرح داده است: «و کتاب را که شناوران لجه معرفت را بحری است زاخر و دلاوران عرصه محبت را سیفی است باتر *قمقام زخار و صمصام بتار* نام نهادم» (همان: ۸).

یکی از محاسن کتاب *قمقام زخار و صمصام بتار*، اعراب‌گذاری همه اسمی و واژگان عربی است که سبب سهولت و صحیح خواندن این واژگان می‌گردد. فرهاد میرزا ضمن پابندی به این ویژگی در تمامی فصول و مباحث کتابش، در بخش‌هایی از اثر خویش، ابوابی را به بیان توضیحاتی در مورد ضبط اسمی و تصحیح آن‌ها و *طریقه تلفظ صحیح* آن‌ها اختصاص داده است (فرهاد میرزا، ۱۳۶۳: ج ۱: ۱۲۱-۲۳۰ و ج ۲: ۴۸۶-۵۰۰). نکته دیگر در مورد ویژگی‌های این اثر مستند بودن آن و تقید نویسنده به ذکر منابع مورد استفاده است. در این زمینه فرهاد میرزا در خاتمه کتابش به ذکر آثار و اسمی مصنفین که به هنگام تألیف *قمقام زخار و صمصام بتار* از آن‌ها بهره برده، پرداخته است (همان: ج ۲: ۸۲۸-۸۵۲).

فرهاد میرزا در مباحث پایانی کتابش از ثواب گریه و سرودن شعر در مصیبت امام حسین (ع) سخن گفته و برای نمونه اشعاری را که شعرای مشهور در مصیبت سیدالشهدا سروده‌اند، در کتاب خویش آورده است (همان: ۷۷۱). در میان اشعار فارسی این کتاب می‌توان سروده‌های رجال دیوانی دوره قاجار در مناقب اهل بیت (ع) را یافت. در این زمینه می‌توان اشعار میرزا تقی علی‌آبادی، صاحب دیوان را مورد اشاره قرار داد:

ای رموز آموز علم «من لدن»
 ای حسین عشق و ای ایوب صبر
 تو غریب افتاده آن یاران شهید
 بین که عرش از پا در آمد زین ستم
 ای تو مقصود و مراد از امر «کن»
 احمد دین حیدر کرار بدر
 آن زنان آن طفلگان نارسید
 رخصتی ده تا برین اعدا زنم...
 (همان: ۸۱۳).

در شعر دیگری از میرزا تقی علی آبادی با مضمون روایت‌های انگشتر حضرت سلیمان و حضرت علی (ع) به ماجرای انگشت و انگشتر ابی عبدالله اشاره می‌کند:

در جهان از آدمیزاد و پری
 کز سلیمان، دیو برد اندر نبرد
 من سوم انگشتری دارم بیاد
 تا کدامین زان سه یگ افزون بود
 راویان گویند دو انگشتری
 وان علی اندر رکوع انفاق کرد
 که بیاد دوست با انگشت داد
 آری آری آنکه او پر خون بود
 آنکه جز در انگشت شهید ابن شهید...
 (همان: ۸۱۴)

در مرثیه‌های عاشورایی پیوند نزدیکی میان مفهوم صبر، شفاعت و حضرت زینب به چشم می‌خورد. این مرثیه‌ها نیز در بردارنده بسیاری از مناقب اهل بیت و سجایای پسندیده آنهاست. مرثیه‌سرایان در خلال سروده‌های خویش و ذکر مصائب اهل بیت (ع) به کرات از خصایل نیکوی آنها سخن گفته‌اند. فرهاد میرزا با استناد به شعری از محمودخان ملک‌الشعرا به باز روایت این مفاهیم پرداخته است:

گر در زمانه واقعه کربلا نبود
 سیطی چنین برای فدا گر نبی نداشت
 بر صابران چو عرض بلا شد بغیر او
 غیر از درون قبه او جایی از شرف
 معلوم قدر صبر و عیار رضا نبود
 آسان برو شفاعت روز جزا نبود
 کس را قبول واقعه کربلا نبود
 مخصوص از برای قبول دعا نبود
 در گنبد سپهر برین این صدا نبود
 از این و آن ز بعد پیمبر روا نبود
 گر زیر خاک تخم جفا ز ابتدا نبود
 چشم زمانه بارد اگر تا بحشر خون
 (همان: ۸۲۰)

و آخرین شعری که فرهاد میرزا در بخش پایانی کتاب *قمقام زخار و صمصام بتار* از آن استفاده کرده، اشعار وصال شیرازی در ماجرای روز عاشورا است که به برخی از این اشعار اشاره می‌شود:

وز چيست گشته پيكر پاكِت بخون خضاب
ما را ببر بمنزل مقصود و خوش بخواب
وين خلق بي‌حميت و دهر پر انقلاب
سوز تب از درون و برون تاب آفتاب
ور بي تو رو بشام كنم كو توان و تاب
نه عمر من تمام شود نه جهان خراب
رو در نجف نمود و سر شكوه باز كرد
(همان: ۸۲۲)

گفت ای گلو بریده سر انورت کجاست؟
ای میر کاروان گه آرام نیست خیز
من یک تن ضعیفم و یک کاروان اسیر
زین العباد را ز دو آتش کباب بین
گر دل بفرقت تو نهم کو شکیب و صبر
دستم ز چاره کوتاه و راه دراز پیش
لختی چو با برادر خود شرح راز کرد

در تذکره‌های دوران قاجار از برخی شاهزادگان صرفاً یک یا چند بیت در مناقب اهل‌بیت (ع) وجود داشت که به دلیل اختصار این مبحث در جدول ذیل به آن‌ها اشاره شده است:

جدول شماره ۱: گزیده‌ای از شاهزادگان مناقب‌نگار دوره قاجاریه

نام شاهزاده	مضامین	نمونه اشعار	منبع
شاهزاده محمدعلی میرزا (۱۲۰۳ - ۱۲۳۷ ه.ق) فرزند فتح‌علی‌شاه، متخلص به دولت	مراثی اهل‌بیت و یادکرد رویداد عاشورا	ز آه و ناله کلثوم و زینب زمین و آسمان و عرش و کرسی ز پا افتاده شاه کشور دین ازین رفتار چرخ تند رفتار جهان پرشور و پرغوغاست امروز همه پر آه و واویلاست امروز فلک دیگر چرا برپاست امروز ز گردش گرفتد برجاست امروز	(بهمن میرزا، بی‌تا: ۳۴۴)
حسین‌علی میرزا (۱۲۰۳-۱۲۵۱ ه.ق)	مدح امیرالمؤمنین و کاربرد صفاتی چون شیرخدا	ای شیر خدا تو آگهی از دل ما با مهر خود آمیخته‌ای آب و گلم کاز روز ازل هم تو سرشتی گل ما مهر تو کجا برون رود از دل ما	(دیوان‌بینگی شیرازی، ج ۲: ۱۳۲۴)
سام میرزا (فوت: ۱۳۰۹ ه.ق)، متخلص به خسروی		محمد احمد ختم رسل سرآمد گل که از خصال حسن یافت حد و تحسین را... بروز محشر بی‌شبهه از شفاعت وی شراب کوثر بینی طعام غسلین را	(مدایح نگار تفرشی: ۱۷۱- ۱۷۲)

مدایح نگار تفرشی: ۱۸۲	ای آنکه براهین کست باور نیست کس غیر علی وصی پیغمبر نیست	منقبت علی (ع) با تأکید بر مقام وصایت وی	
(دیوان بیگی شیرازی، بی تا: ۶۷۵-۶۷۶)	امروز پدید آمد در خانه یزدان طفلی که طفیل است و را عالم امکان... دارای جهان ناصر دین شاه بیارست جشنی که شود کور ازو دیده شیطان	مدح علی (ع) به مناسبت تولد وی و اشاره به بنیان گذاری عید ولایت حضرت امیر توسط ناصرالدین شاه	
(عبرت نائینی، ۱۳۸۷: ۵۰۳)	گر بدین حسن و لطافت، بی نقاب آید برون سایه سان دنبال وی صد آفتاب آید برون... آن چنانم سوخت دل از آتش هجران او کز دهانم تا ابد بوی کباب آید برون	مدح حضرت قائم (عج) و شکوه از هجران وی	
(فاضل خان گروسی، ۱۳۷۶: ۷۴)	چیست آن چرخ که بر رغم سپهر اخضر چار مه دارد و بر هر مه او شش اختر اعنبرش خواندمی ار داشت تحرک غیرا صرصرش گفتمی ار داشت تمکن صرصر بوالعجب بین که همی بار سر اوست سنان گر بهر معرکه بار سنان آمده سر	مراثی امام حسین (ع)	شاهزاده محمود میرزا (۱۲۱۴ه.ق وفات: نامشخص)
(دیوان بیگی شیرازی، بی تا: ج ۲: ۱۴۰)	جز مهر علی حکایت از هر چه گذشت بی طول سخن حدیث لطایل بود...		
(همان)	ما عالم کون زیر و بالا کردیم عالم همه صورتند و معنی ست علی با نور محمدی تولا کردیم از هر چه بجز علی تبرا کردیم	منقبت علی (ع) با تأکید بر مفاهیم تولی و تبری	سلطان محمد میرزا (متولد ۱۲۲۸ه.ق)

شاهزاده عبدالعلی میرزا (تولد ۱۲۷۴ه.ق) متخلص به عبدی قاجار	مهر علی و تأکید بر مقام منزلت علمی خاندان علی	باغ بهشت جو که خزانیش نیست کان باغ بس گرمی و این دون است آن باغ را زمهر علی بر جو خود گر دلت ز دانش مشحون است حکمت ز خاندان علی آموز کاین خوب‌تر ز رای افلاطون است	(دیوان‌بینی شیرازی، بی‌تا: ج ۲: ۱۱۸۱-۱۱۸۲)
علینقی میرزا	استمداد و طلب شفاعت از اهل‌بیت برای بقای سلطنت ناصرالدین‌شاه و حفظ مال و جان وی	در دعای جان و مالت خواهم آمین هر شبی تا روز جبریل امین را بر بقای روزگارت شافع آرم پاک فرزند امیرالمؤمنین را...	(مدایح نگار تفرشی، ۱۳۶۳: ۱۵۵)
محمدحسین میرزا (متولد ۱۲۵۸ه.ق)	شعری در مدح علی (ع) به هنگام تشریف به نجف اشرف در ۱۲۸۷ه.ق با تأکید بر مقام امامت و وصایت علی (ع)	... هر کرا مصطفی بود مولا از ازل مرتضاش مولا بود... بطفیل وجود او ایزد کرد موجود هر آنچه بود و نبود...	(همان: ۸۶-۸۷)
	تأکید بر عدالت علی (ع) و برتری علی نسبت به انوشیروان	کج‌باجود تو گوید کس از بخشنده طائی کج‌باعدل تو گوید کس از عدل نوشروان	(همان: ۸۸)
اخضر قاجار	شعری در مدح امام سجاد (ع) و تأکید بر ظهور مهدی (ع) و گسترش عدالت در جهان	ای معنی هفت بطن قرآن ای مظهر تام اسم اعظم هرچند به دوره‌ای مؤخر هستی تو به انبیا مقدم... آن مهدی منتظر که از چرخ آید به درش مسیح در دم غمگین شود از ظهور او خصم گردد دل دوست شاد و خرم از عدل بیاکند جهان را آسایش را کند فراهم	(عبرت نائینی، ۱۳۸۷: ۳۹-۴۱)
محمدحسین میرزا متخلص به خسروی (پسر کیخسرو میرزا فرزند فتحعلی‌شاه)	مدح امام رضا (ع) و شفاعت جویی از آن حضرت	... ای مقتدا و سید و سرور به جن و انس وی پیشوا و هادی و رهبر به خاص و عام... یا ثامن‌الائمه یا ضامن‌الدیون یا شافعه‌القیامه یا سید‌الفخام	(همان: ۵۰۲-۵۰۳)
شارق	شعری در میلاد امام زمان (عج)	بردار رسم جور و بده دادِ عدل و داد کامروز عیدِ مولدِ صاحبِ زمان بود	(همان: ۶۳۰)

	نازم به مولدش که همی از شرافتش عالم به سان روضه باغی جنان بود		
قائم، محمدمهدی میرزا (وفات ۱۳۳۸ ه.ق)	مدح امام زمان (عج)	... یا امام العصر ادرکنا که روشن روز ما بی جمالِ آفتاب آسات شامِ تار گشت... عمر من آمد به پایان زانتظار روز وصل رحمتی کز هجر تو جانم ز تن بیزار گشت قائما از لطف حق وز کوری چشم حسود شعر امسال تو به از پار و از پیرار گشت	(همان: ۱۰۸۶-۱۰۸۵)

نتیجه گیری

مناقب در آثار و اشعار شاهان و شاهزادگان قاجاری به گونه‌های مختلف در قالب کلام منشور و منظوم، تألیف یا گردآوری اشعار شاعران با درون‌مایه‌های عاطفی، عرفانی، آرایه‌های ادبی و مفاهیم نمادین مجال طرح یافته است. در میان مفاهیم نمادین واژه شیر که نماد شهریاری و شکوه پادشاهی است، در هم‌نشینی با القابی چون اسدالله در ذکر مناقب علوی جایگاه ویژه‌ای دارد. تحت تأثیر پایگاه نهادی سلاطین قاجار برخی از مفاهیم نمادین مطرح در سروده‌های آنها از جمله شیر و ذوالفقار به نشان‌های سلطنتی این دوره راه یافت. مهم‌ترین مضامین مطرح در این آثار ذکر فضائل، کرامات، سجایای اخلاقی، منزلت معنوی، شأن شفاعت‌گری و شفاعت‌گری اهل بیت است. در این میان مبانی اعتقادی آیین اسلام و اصول تشیع نظیر نبوت، خاتمیت، تولی و تبری، وصایت، امامت و اثبات حقانیت علی (ع) نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ اگرچه مفاهیم و مضامین مذکور به‌عنوان یک وجه اشتراک در مناقبت‌نگاری بسامد قابل توجهی دارد، باین حال می‌توان وجوه تمایزی را برای این آثار برشمرد:

- تمایزات صوری: منظوم یا منشور بودن کلام، جایگاه و شئون سیاسی مناقبت‌نگار، سبک نگارش (تألیف، سرودن و یا گردآوری اشعار، قوت اشعار از نظر قواعد شعری)؛
- همسویی کنش‌های آیینی با مناقبت‌نگاری: در این زمینه می‌توان به فتحعلی‌شاه، ناصرالدین‌شاه و فرهاد میرزا معتمدالدوله اشاره کرد. در میان این افراد ناصرالدین‌شاه چهره شاخصی به شمار می‌آید.

- تأثیر جایگاه و شئون پادشاهی، علائق و تمایلات سیاسی در مناقبت‌نگاری: اثربخشی این عامل را می‌توان آشکارا در اشعار و سروده‌های فتحعلی‌شاه یافت. تمایلات باستان‌گرایانه فتحعلی‌شاه و تلاش او برای نشان دادن رسالتش به‌عنوان میراث‌دار شاهان باستانی ایران

سبب شده که در اثبات علو درجه و برتری شأن علی (ع) به مقایسه آن حضرت با شاهان دوران باستان پرداخته و تفوق علی (ع) نسبت به آن‌ها را اثبات نماید؛ بنابراین در اشعار فتحعلی‌شاه پیوندی میان ارادت‌ورزی به علی (ع) با تمایلات باستان‌گرایانه شاه به چشم می‌خورد.

- رسوخ انگیزه‌های مشروعیت‌طلبی در مناقبت‌نگاری اهل بیت: مصداق این ویژگی تذکره محمد شاهی اثر بهمن میرزا برای مشروعیت بخشی به فتحعلی‌شاه است. در مورد مناقبت‌نگاری ناصرالدین‌شاه همان‌گونه که فحوای کلام او نشان می‌دهد، شائبه مشروعیت‌طلبی در آن جایگاهی ندارد؛ رمز ماندگاری مرثیه‌های عاشورایی او نیز ارادت خالصانه او به خاندان رسالت است. در دوره ناصری، شاه برای کسب مشروعیت ابزارهای دیگری در اختیار داشت. روزنامه‌های عهد ناصری و تصاویر، نشان‌ها و آرم‌هایی که در این روزنامه‌ها چاپ می‌شد، کارکردی تبلیغی داشته و در جهت نمایش اقتدار سلطان از آن‌ها استفاده شده است. علاوه بر روزنامه‌ها، تمبرهای منقوش به تصویر شاه، رسانه‌هایی برای تحکیم شئون سلطنت و وجاهت شاه با کارکرد مشروعیت‌بخشی بودند؛ از این رو تفوق ارادت‌ورزی نسبت به انگیزه مشروعیت‌طلبی به‌ویژه در اشعار ناصرالدین‌شاه بارز و مشهود است.

به‌رغم وجود این‌گونه تمایزها، از منظر کارکردی آثار مناقبت‌نگارانه شاهان و شاهزادگان قاجاری، کارکردهای مختلفی در ساحت معرفتی، معرفی الگوهای اخلاقی و از همه مهم‌تر نشر فرهنگ شیعی و تقویت ادبیات آیینی داشته است.

پی‌نوشت

۱. خروش و غوغا، جنگ، رزم

کتابنامه

- اصغرپور، حسن. (۱۳۸۶). «درآمدی بر مناقب‌نگاری اهل بیت (س)». علوم حدیث. ش ۴۵ و ۴۶. صص ۲۹۸-۲۶۵.
- آفرین، فریده و نیکیان، ساجده. (۱۴۰۲). «گفتمان کاوی انتقادی نشان‌های ملی دوره قاجار و جمهوری اسلامی ایران بر اساس آرای ون دایک». مطالعات فرهنگ - ارتباطات. س ۲۴. ش ۶۲. صص ۱۹۴-۱۶۵.
- آقازاده، جعفر. (۱۳۹۶). «اقدامات فتحعلی‌شاه برای کسب مشروعیت سیاسی بر اساس روش‌های جاری در دوره اسلامی». پژوهش‌های تاریخی. س ۹. ش ۱ (پیاپی ۳۲). صص ۱۵۷-۱۲۶.
- الگار، حامد. (۱۳۹۶). دین و دولت در ایران. ترجمه: ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- امانت، عباس. (۱۴۰۱). قبله عالم (ناصرالدین‌شاه قاجار و پادشاهی ایران). ترجمه حسن کامشاد. تهران: کارنامه.
- ایزدی، حسین و زیرکی، مهدی. (۱۳۸۷). «مناقب‌خوانی در دوره آل‌بویه». نشریه تاریخ اسلام. ش ۳۳-۳۴. صص ۵۶-۲۵.
- برات‌زاده، محمدعلی. (۱۳۹۸). بررسی ویژگی‌های تاریخ‌نگاری شاهزادگان مورخ قاجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- بهمن میرزا. (بی‌تا). تذکره محمد شاهی.
- بهمن میرزا. (۱۳۸۴). شکرنامه شاهنشاهی یا تاریخ ششصد ساله قفقاز. ویراستار: حسین احمدی. تهران: وزارت امور خارجه.
- تابعی، محمد مهدی. (۱۴۰۱). «بررسی مناقب اهل بیت (س) در آثار شاهان و شاهزادگان دوره قاجار». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران اسلامی. بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- دادور، ابوالقاسم و پنجه‌باشی، الهه. (۱۳۹۱). «معرفی ضریح سوم امام رضا (ع) در زمان فتحعلی‌شاه قاجار» هنر و معماری: نشریه هنر. ش ۸۶ و ۸۵. صص ۲۵-۹.
- دیوان‌بیگی شیرازی، سید احمد. (بی‌تا). تذکره حدیقه الشعرا در شرح حال و آثار شاعران و عارفان و صوفیان و هنرمندان و دانشمندان دوره قاجار از سال ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ هجری قمری، جلد اول الف تا س. تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی.
- دیوان کامل اشعار فتحعلی‌شاه قاجار. (بی‌تا). انتشارات قائم مقام.
- روحانی قوچانی، علی؛ ساسان‌پور، شهرزاد؛ آبدیان، حسین؛ کاظم راشد، منیره. (۱۳۹۹). «بررسی علل تحول مراسم آیینی و سوگواری شهر مشهد در دوره قاجار». تاریخ اسلام.

س ۲۱. ش ۳ (پیاپی ۸۴). صص ۱۳۵-۱۷۰.

زیدان، جرجی. (۱۳۲۱ق). *تاریخ سلمی*. ج ۲. ترجمه طهماسب میرزا. تهران: مطبعه شراکت مطبوعات دارالخلافة.

شیخ نوری، محمد امیر؛ علیزاده بیرجندی، زهرا. (۱۳۸۸). «بحران مشروعیت دولت ناصری و تأثیر آن در گرایش ناصرالدین شاه به اصلاحات تجددگرایانه». *تاریخ اسلام و ایران* (علوم انسانی). س ۱۹. دوره جدید. ش ۱ (پیاپی ۷۵). صص ۴۹-۷۶.

طایفی، شیرزاد. (۱۳۸۹). «بررسی نمودهای مذهبی در شعر عهدقاجار». *ادیان و عرفان*. س ۴۳. ش ۲. صص ۹۹-۱۱۵.

عبرت نائینی، محمدعلی. (۱۳۸۷). *تذکره انجمن قدس جلد اول و دوم*. تصحیح و پژوهش: ابوالفضل مرادی. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.

علیزاده بیرجندی، زهرا؛ حمیدی، سمیه؛ ملک‌زاده، الهام. (۱۳۹۶). «واکاوی خاستگاه و کارکردهای نشان‌های دولتی عصر قاجار». *جستارهای تاریخی*. س ۸. ش ۱. صص ۷۹-۹۸.

فتحعلی شاه قاجار (۱۳۷۰). *تحقیق درباره زندگانی، احوال، اعمال، افکار و دیوان کامل اشعار فتحعلی شاه قاجار «خاقان»*. به تحقیق و اهتمام حسن گل محمدی «فریاد». تهران: اطلس.

فرهاد میرزا (۱۳۶۳). *قمقام زخار و صمصام بتار*. ج ۱. تهران: اسلامیه.

کاظمی موسوی، احمد. (۱۳۹۸). *خاقان صاحب قران و علمای زمان نقش فتحعلی شاه قاجار در شکل‌گیری روندها و نهادهای مذهبی نو*. تهران: آگاه.

کردنژاد، نسرین. (۱۳۹۱). «پیشینه و سیر مناقب‌نویسی و مثالب‌نویسی». *علوم قرآن حدیث*. ش ۱۲. صص ۸۸-۶۲.

گروسی، فاضل خان. (۱۳۷۶). *تذکره انجمن خاقان*. تهران: روزنه.

محمود میرزا قاجار. (۱۳۹۴). *بیان المحمود: تذکره‌ای در فن شاعره*. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: اطلاعات.

محمود میرزا. (۱۳۴۶). *سفینه المحمود*. ج ۱. تصحیح دکتر خیام‌پور. مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

محمود میرزا قاجار. (۱۳۹۴). *گلشن محمود به ضمیمه تاریخ ملک‌زادگان تخمه خاقان نوشته ملک ایرج میرزا*. تصحیح: میرهاشم محدث. تهران: سفیر اردهال.

مدایح نگار تفرشی، ابراهیم خان. (۱۳۶۳). *تذکره انجمن ناصری به همراه تذکره مجدیّه*. تهران: بابک.

معیرالممالک، دوستعلی خان. (۱۳۹۰). یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه. تهران: تاریخ ایران.

ناصرالدین‌شاه. (۱۳۸۶). دیوان ناصرالدین‌شاه قاجار. به کوشش جواد معصومی. تهران: تهذیب.

نواب شیرازی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). تذکره دلگشا. تصحیح دکتر منصور رستگارفسائی.

هدایت، رضاقلی خان. (۱۲۸۸). مجمع‌الفصحاح به کوشش مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر.

